



تبیین گاه‌نگاری و تحلیل نسبی کاربری چهارطاقی دوازده امام لودریچه شهرستان برخوار (استان اصفهان): بنایی مذهبی از دوره ساسانی و قرون اولیه اسلامی

^I محمدصادق داوری

^{II} حامد حسینی دولت‌آبادی

^{III} حسن کمالی دولت‌آبادی

(صص: ۱۲۵-۱۰۹)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۴
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.3.10.109

چکیده

لودریچه محله‌ای واقع در شهرستان برخوار و ۹ کیلومتری شمال شهر اصفهان است. این بنا در مجاورت قبرستان کهن که امروزه تبدیل به فضای سبز شده، قرار دارد. جهت بنا شمال غربی- جنوب شرقی و نقشه آن چهارطاقی است که بعدها دخالت‌هایی در آن صورت گرفته است. به دلیل قرارگیری این منطقه در فاصله ۴ کیلومتری شرق شهر تاریخی گز (با استقرارهایی از دوره اشکانی و ساسانی) مطالعه این بنا در بافت فرهنگی تاریخی اش درخور اهمیت است. در همین راستا تلاش شد تا ضمن بررسی باستان‌شناسانه چهارطاقی لودریچه، فهمی نسبی از تاریخ ساخت و کاربری این بنا ارائه و به‌عنوان یکی از اولین پژوهش‌های متکی بر فعالیت باستان‌شناسانه در شهرستان برخوار، مبنای مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای آتی در این منطقه قرار گیرد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین پرسش‌های پژوهش، زمان ساخت بنا و کاربری بنا از زمان ساخت آن تاکنون (؟) است. برحسب فرض‌های اولیه و با تشریح نقشه بنا، بنای لودریچه متعلق به دوره ساسانی و قرون اولیه اسلامی با کاربری مذهبی در نظر گرفته شد که با انجام پژوهش، این فرضیات اثبات شد. این پژوهش با روش بررسی پیشینه بنا در متون تاریخی، ارزیابی مصالح و عناصر تزئینی بنا، تحلیل نقشه معماری و مقایسه آن با سایر بناهای همجوار و همزمان انجام شده است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که بنای لودریچه چهارطاقی‌ای متعلق به دوره ساسانی یا سده‌های اولیه اسلامی با کاربری آتشکده یا همان «آتشکده زروان اردشیر» است که به دستور اردشیر بابکان پس از تصرف اصفهان در هنگام ظهر در قریه «خوار» ساخته شده که بعدها با ورود دین اسلام به منطقه، این بنا از آتشکده به حسینیه تغییر کاربری داده و تا امروز اهالی این منطقه از آن به‌عنوان بنایی مذهبی استفاده می‌نمایند.

کلیدواژگان: چهارطاقی، ساسانی، قرون اولیه اسلامی، لودریچه، برخوار اصفهان.

مقدمه

شهرستان برخوار با وسعتی حدود ۱۹۶ کیلومترمربع در نواحی مرکزی استان اصفهان واقع شده است. این شهرستان از شمال و شمال غرب به شهرستان شاهین شهر و میمه، از شمال به نطنز، از جنوب به اصفهان و نهایتاً از شرق به شهرستان سگزی منتهی می‌شود. رشته‌کوه‌های کرکس با ارتفاعی بیش از ۳۰۰۰ متر شمال و شمال شرقی آن را فرا گرفته و مابقی این شهرستان را دشتی نسبتاً هموار تشکیل می‌دهد. این منطقه با توجه به فاصله‌ای که از رودخانه زاینده رود دارد، دارای آب و هوایی خشک تر از اصفهان بوده و میزان بارندگی آن حدود ۵۰ الی ۲۰۰ میلی متر طی ده سال متغیر بوده است. میزان تبخیر سالیانه نیز حدود ۲۰۰۰ میلی متر گزارش شده و مقدار آب نفوذی کمتر از این مقدار است. جهت باد به ویژه بادهای غالب، از سمت شمال به طرف جنوب و جزو بادهای خشک است (احمدی، ۱۳۹۱: ۶ و ۷).

چهارطاقی لودریچه در تابستان ۱۳۹۲ ه.ش. و در زمان انجام عملیات وسیع سازی گذر مجاور آن، توسط نگارنده مورد بازدید قرار گرفت. پس از بازدید از این بنا متوجه نقشه چهارطاقی بنا شده و بلافاصله توسط کارشناسان از این بنا و فضاهای الحاقی معاصر آن نقشه برداری و با کسب مجوز از اداره کل میراث فرهنگی استان اصفهان، برخی نقاط داخلی بنا جهت شناخت مصالح لایه برداری شد. بناهای متعددی در شهرستان برخوار تاکنون شناسایی و در فهرست میراث ملی به ثبت رسیده، اما بنای چهارطاقی لودریچه به دلیل تغییرات ظاهری و منظری که طی دوره‌های متعددی بر آن تحمیل شده، از این قاعده مستثنی بوده و تا به امروز هویت تاریخی آن ناشناخته مانده است.

اهداف و ضرورت پژوهش: در همین راستا تلاش گردید تا ضمن بررسی باستان‌شناسانه چهارطاقی لودریچه، با عنایت به متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی، فهمی نسبی از تاریخ ساخت و کاربری این بنا ارائه و به عنوان یکی از اولین پژوهش‌های متکی بر فعالیت باستان‌شناسانه در شهرستان برخوار، مبنای مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای آتی در این منطقه باشد.

پرسش‌ها و فرضیات: مهم‌ترین و اصلی‌ترین پرسش‌های پژوهش، زمان ساخت بنا و در صورت اثبات و کشف شواهد، زمان مرمت بنا است. یکی دیگر از مهم‌ترین پرسش پژوهش در رابطه با بنای چهارطاقی لودریچه، کاربری این بنا از زمان ساخت آن تاکنون است. برحسب فرض‌های اولیه و با تشریح نقشه بنا، بنای لودریچه چهارطاقی متعلق به دوره ساسانی و قرون اولیه اسلامی با کاربری مذهبی در نظر گرفته شد، که با انجام پژوهش این فرضیات اثبات شد.

روش پژوهش: برای پیش برد پژوهش، هماهنگی‌ها و پیشنهادهایی به اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان و هم‌چنین نمایندگی این اداره در شهرستان برخوار داده شد تا جهت لایه برداری اندوذهای گچی معاصر برخی از نقاط بدنه بنا و کسب مجوز از این نهاد مربوطه، اقدام شود. بر همین اساس، مجوزی توسط مسئولین اداره میراث فرهنگی استان اصفهان با نظارت نمایندگی میراث فرهنگی شهرستان برخوار صادر شد. با لایه برداری اندوذهای گچی برخی نقاط بدنه داخلی، سه مرحله معماری با شیوه و مصالح متفاوت شناخته شد که مرحله اول آن دارای دو زیرمرحله متفاوت است. برای هر نقطه لایه برداری شده کد اختصاری TT اختصاص و براساس ترتیب، شماره بندی شد.

پیشینه پژوهش

تاکنون در مناطق شمال شهر اصفهان و شهرستان برخوار مطالعاتی در رابطه بناهای مذهبی دوره ساسانی انجام نشده است؛ بنابراین مطالعه آتشکده‌ها یا بناهای دوره ساسانی در منطقه شهرستان برخوار استان اصفهان، از پیشینه مطالعاتی برخوردار نبوده و پژوهش فعلی به نحوی اولین مطالعه باستان‌شناسانه در منطقه و با تأکید بر دوره ساسانی و بنای آتشکده‌ها محسوب می‌شود.

در نهایت با توجه به نتایج مطالعات، هر مرحله از معماری این بنا مربوط به یک دوره زمانی است. به دلیل عدم کاوش باستان‌شناسی در کف بنا و تپه مجاور آن هم‌چنین فقدان مدارک باستان‌شناسی، در این نوشتار سعی شده بنای چهارطاقی لودریچه با رویکردی توصیفی-تحلیلی، در بستر تاریخی-فرهنگی و محدوده مکانی‌اش، معرفی و سپس با انجام مطالعات تطبیقی و با رویکردی نسبی کاربری و قدمت این بنا تبیین شود.

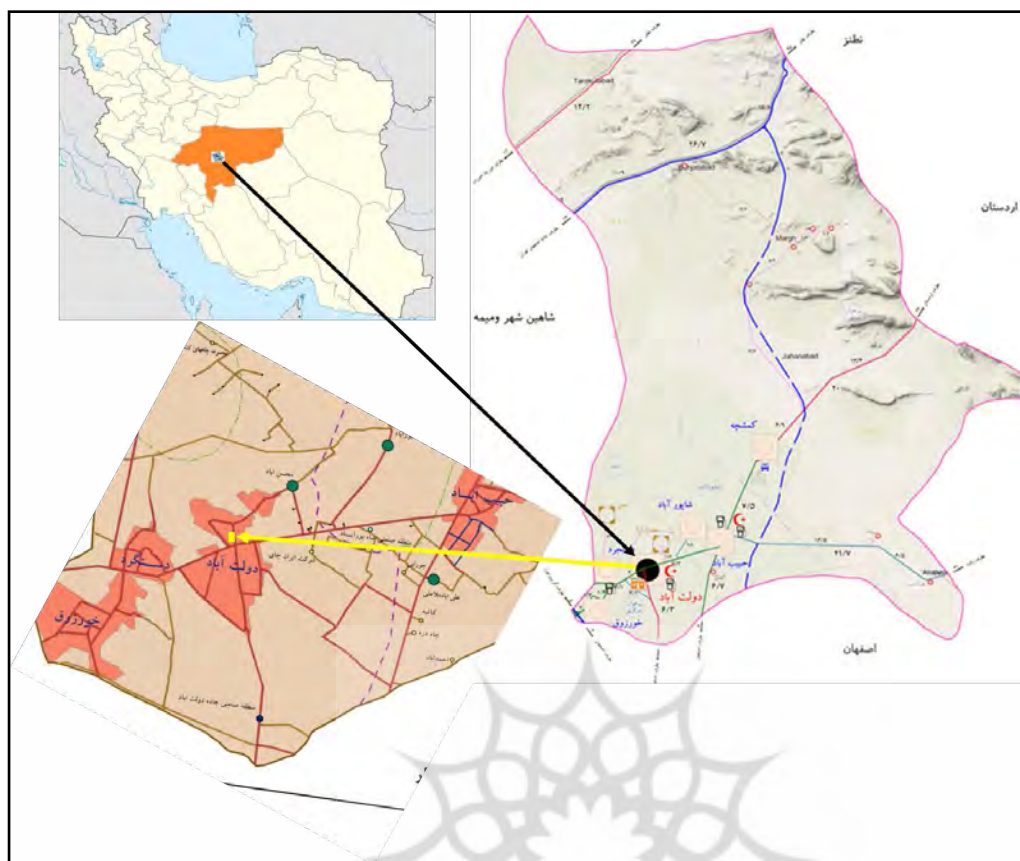
وجه تسمیه منطقه مورد مطالعه

«لطف‌الله هنرفر» در مورد برخوار می‌نویسد: «برخوار نام جلگه وسیع، حاصل‌خیز، آبادان، کهن و بسیار باشکوه است. این ناحیه بسیار قدیمی دارای دیه‌های کهنی است که نام‌های قدیم خود را حفظ کرده‌اند. بلوک برخوار در شمال جی و مغرب کوهپایه واقع شده و راه شوسه اصفهان به تهران از مغرب این بلوک می‌گذرد» (هنرفر، ۱۳۴۴: ۴۷-۴۶). «دهخدا» نیز می‌نویسد: «برخوار جزء دهستان‌های بخش مرکزی اصفهان است که از شمال به کاشان و از جنوب به دهستان جی می‌رسد و از خاور به کوهپایه و از باختر به رشته‌کوه خرسک و گندمان می‌رسد. در جلگه واقع است و آب آن از چاه و قنات است (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل برخوار). از برخوار در منابع تاریخی با نام‌های «برخار، خوار و بلخار» یاد کرده‌اند. برخوار که در قدیم و در بین اهالی کهن با نام «بلخار» از آن نام می‌بردند، از دو کلمه بل = (دیوار و قریه، بلاد) و خار = (خار و خاشاک یا خور = خورشید یا آفتاب) تشکیل شده که به معنی «شهر پیر از خار و خاشاک» یا «شهر آفتاب» است و به مرور به «برخوار» تغییر نام داده است. به اعتقاد «محمد مهریار»، «برخوار» از کلمه «برخوردار بودن» گرفته می‌شود که با زراعت و قدمت کشاورزی در این دیار تناسب دارد (مهریار، ۱۳۸۲: ۱۹۳). محققان بسیاری در ادوار مختلف از این دیار به کژات در آثار و تألیفات‌شان نام برده‌اند؛ از جمله: «ابن‌رسته» در احوالات برخوار از کاخ‌هایی که به دستور خسرو اول ساسانی برای هم‌درسی‌هایش در این دیار بنا کرده و تا قرن سوم هجری پابرجا بوده، اشاره می‌کند. در قرن سوم ه.ق. «ابن‌خردادبه» در بیان منازل راه اصفهان-ری، برخوار را نخستین منزل پس از یهودیه (اصفهان) و به فاصله سه فرسخی از یهودیه دانسته است. «ابن‌رسته»، «یعقوبی» و «ابن‌فقیه» نیز برخوار را یکی از رستاق‌های اصفهان دانسته و پیشه اصلی مردم آن را کشاورزی ذکر کرده‌اند (امیرحاجلو و نیستانی، ۱۳۹۲: ۴). «حمزه اصفهانی» در کتاب سنی الملوك الارض و الاتیبا از برخوار به نام «خوار» نام می‌برد و به آتشکده‌ای با نام «زروان اردشیر» که به دستور کی‌اردشیر هنگام ظهر در یکی از قریه‌های آن ساخته شده بود، اشاره می‌کند (اصفهانی، ۱۳۶۷: ۳۸).

«لودریچه» محله‌ای واقع در شهر دولت‌آباد (مرکز شهرستان برخوار) و به فاصله ۹ کیلومتری شمال شهر اصفهان است. لودریچه از دو کلمه «لو» به معنی «کنار» و «دریچه» به معنی ورودی کوچک تشکیل شده است. «لودر» و یا «لودری» به گله‌ای گفته می‌شد که در ورودی خانه‌ها به چوپان تحویل می‌دادند و این اصطلاح فقط در اصفهان رایج است؛ نهایتاً، لودریچه دروازه یا ورودی کوچکی بود که چوپان یا لودرچران در این نقطه، گوسفند گله‌داران را تحویل می‌گرفته است. برخی محققین نیز نام قدیم لودریچه را «لهراسبیه» می‌دانند (هنرفر، ۱۳۴۴: ۷۲۳-۷۲۱).

توصیف و معرفی بنا

بنای لودریچه در مجاورت قبرستان کهن که امروزه تبدیل به فضای سبز شده است، قرار دارد. جهت بنا شمال‌غربی-جنوب‌شرقی و نقشه آن چهارطاقی است که بعدها تغییراتی در این بنا انجام شده است (تصویر ۲). در فاصله ۶ متری غرب بنا رشته‌قناتی مخروبه قرار دارد که از منابع آبی مهم این بنا محسوب می‌شده است. کف بنا از خیابان مجاور آن حدود ۱۲۲ سانتی‌متر بالاتر و هر ضلع آن



تصویر ۱. بستر جغرافیایی و محل قرارگیری بنا بر روی نقشه (امیرحاجلو و نیستانی، ۱۳۹۲، با تغییراتی از نگارندگان).

۴۶۶ سانتی متر از سطح خیابان تا زیر گنبد ارتفاع دارد. گنبد بنا ۳۳۳ سانتی متر از محل اتصال بر روی دیواره‌ها تا زیر شنگه ارتفاع دارد. شنگه گنبد دارای ۱۲۲ سانتی متر ارتفاع است. طول ضلع‌های این بنا ۴۷۰ تا ۴۸۰ سانتی متر متغیر است. عرض ایوان فعلی بنا ۱۷۹ سانتی متر و ضخامت پایه‌های بنا ۱۱۴ سانتی متر است. در حال حاضر دو ورودی بنا در ضلع‌های جنوب غربی و شمال غربی باز است که درون فضاها را معاصر قرار گرفته‌اند. دو ورودی دیگر بنا در ضلع جنوب شرقی و شمال شرقی بنا که در مجاورت خیابان قرار گرفته، مسدود شده است. به گفته متولی بنا، ورودی جنوب شرقی بنا در سال ۱۳۵۸ ه.ش. توسط ایشان مسدود گشته که نشانه‌های این ورودی را در بدنه خارجی بنا می‌توان مشاهده نمود (تصویر ۴ ج). تنها زمان مسدود کردن ورودی شمال شرقی نامشخص بود که طی عملیات لایه برداری و نمایان شدن مصالح به کاررفته، مشخص شد این مصالح از نوع مصالح مرحله دوم معماری بنا (زمان تجدید بنا در میانه دوران اسلامی، دوره سلجوقی) است و بیانگر این است که در زمان تجدید بنا به دلیل وجود گذر مجاور و عدم نیاز، ورودی این ضلع مسدود شده است و تنها دهانه و قوس این ورودی را در بدنه داخلی بنا می‌توان مشاهده کرد (برش 1-TT2؛ تصویر ۴؛ تصویر ۷-TT2).

با انجام عملیات لایه برداری و مطالعه مصالح به کاررفته در بنای چهارطاقی، مشخص شد که این بنا دارای سه دوره و چند مرحله معماری است که به ترتیب: (۱) دوره اول شامل بنای اولیه با مصالح بومی است که دارای شالوده‌ای از جنس گل کوبیده شده (چینه) از کف تا ارتفاع ۱۵۰ سانتی متری و ادامه دیواره‌ها با خشت‌هایی به ابعاد ۳۲ سانتی متر و ضخامت ۸ سانتی متر است (ابعاد طرف دیگر خشت‌ها به دلیل اتصال با معماری مرحله دوم نامشخص است). (۲) دوره دوم



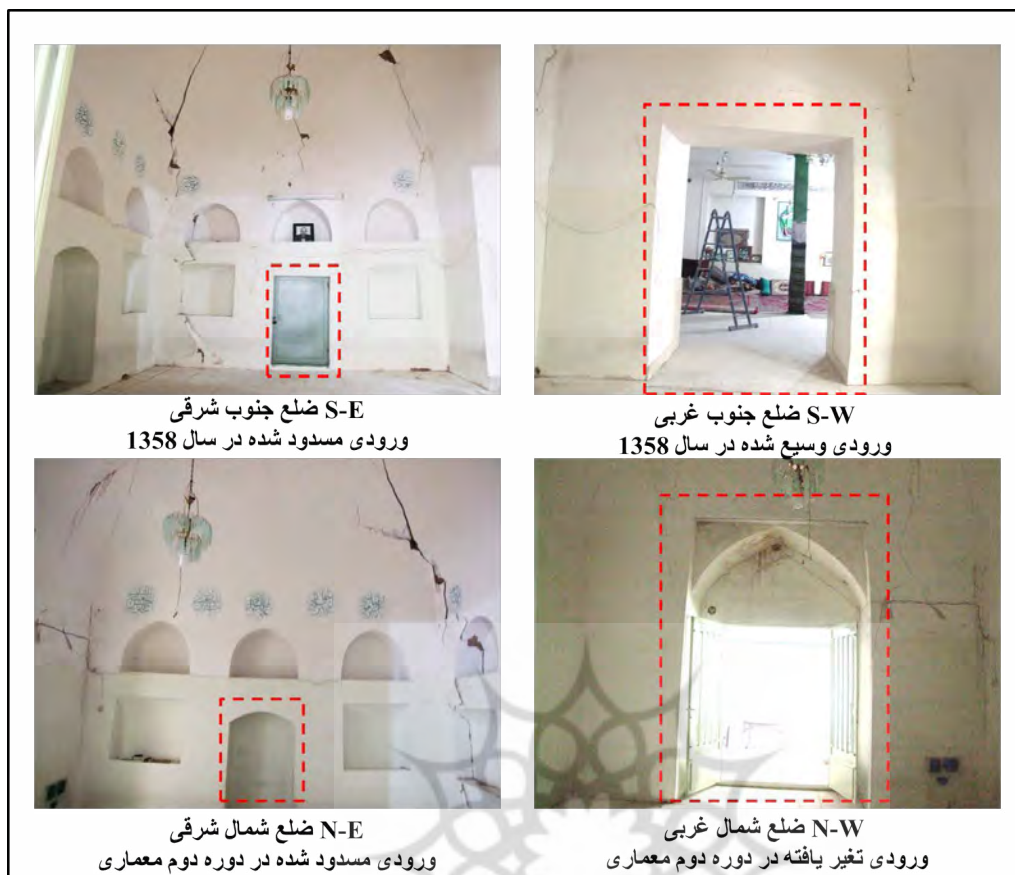
تصویر ۲. عکس هوایی بستر مورد مطالعه (Google Earth با تغییراتی از نگارندگان).



تصویر ۳. بنای فعلی چهارطاقی لودریچه (نگارندگان، ۱۳۹۸).

که از نشانه‌ها و ویژگی‌های آن تزئینات کاشی‌کاری بدنه داخلی، ایجاد سنگه گنبد، تحکیم بدنه داخلی بنا با مصالحی جدید و تزئینات کاشی‌کاری سنگه بنا است. این دوره معماری به خاطر تخریب گنبد اولیه بنا و با هدف تجدید بنا ایجاد شده است؛ به صورتی که معمار جهت تجدید گنبد بنا و ساخت دوباره آن، مجبور به تقویت پایه‌های بنا با مصالح رایج در زمان خود شده است. مصالح به کار برده شده در این لایه معماری، خشت به ابعاد $۲۳ \times ۵ \times ۲۳$ سانتی‌متر و ملات گل است که مصالح رایج در زمان تجدید بنا محسوب می‌شده و تنها در گنبد بنا جهت استحکام بیشتر از ملات گچ استفاده کرده‌اند. در دوره دوم معماری، دو ردیف طاقچه نیز در بدنه داخلی بنا ایجاد و تعبیه گردیده است. ۳) مرحله سوم متعلق به دوره معاصر است که با مصالحی از جنس آجر و سیمان جهت تحکیم بنای اصلی در سال ۱۳۵۸ ه.ش. توسط متولی بنا و دیگر اهالی ایجاد شده است (تصویر ۳ و نقشه ۱).

باتوجه به تفاوت مصالح معماری دوره اول و دوم، مشخص شد که بنای اولیه بدلیل تخریب گنبد و فرسودگی، در دوره دوم مرمت، تجدید و برخی عناصر نظیر سنگه گنبد و ایوان به آن افزوده



تصویر ۴. نماهای داخلی و ورودی‌های بنا (نگارندگان، ۱۳۹۸).

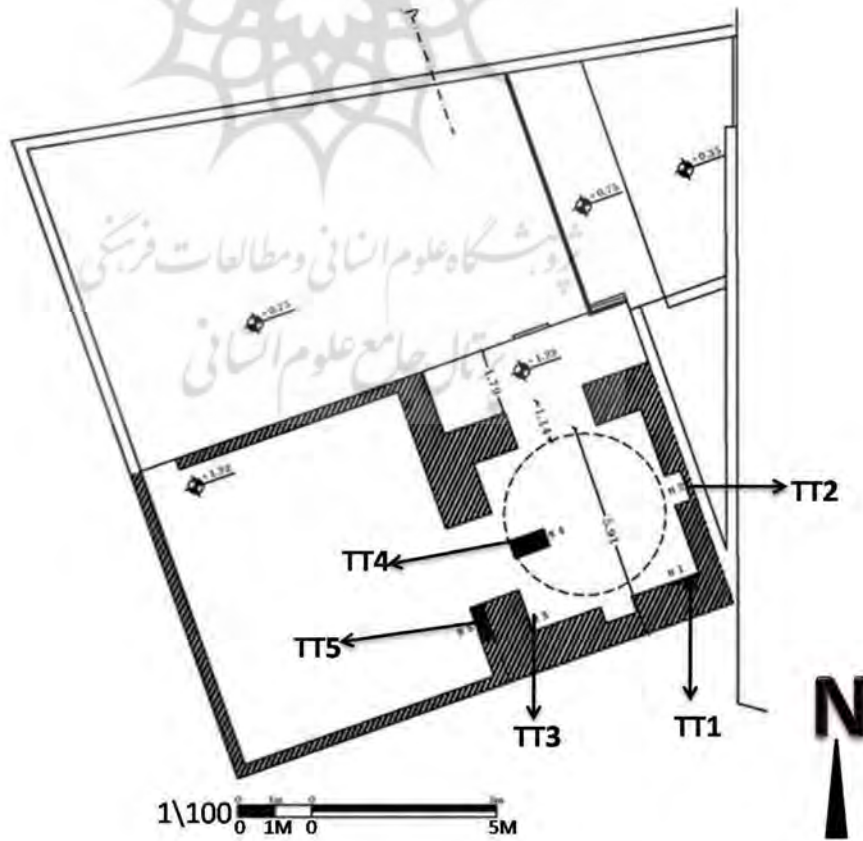
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



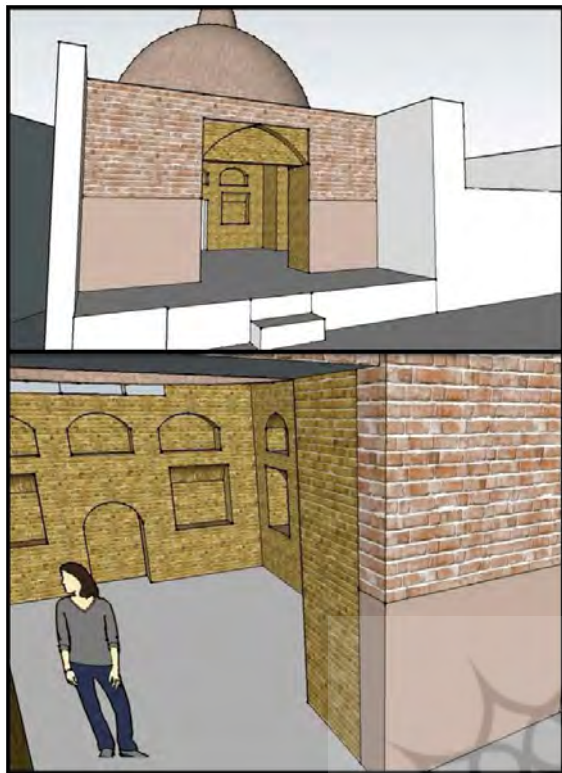
تصویر ۵. عکس‌های سال ۱۳۵۸ ه.ش. شواهدی از راهروها و رواق‌های اطراف بنا و سردر (ایوان) الحاقی (آرشبو شخصی آقای صادقیان).



نقشه ۱. مشخصه سه مرحله معماری بر روی نقشه (نگارندگان، ۱۳۹۸).

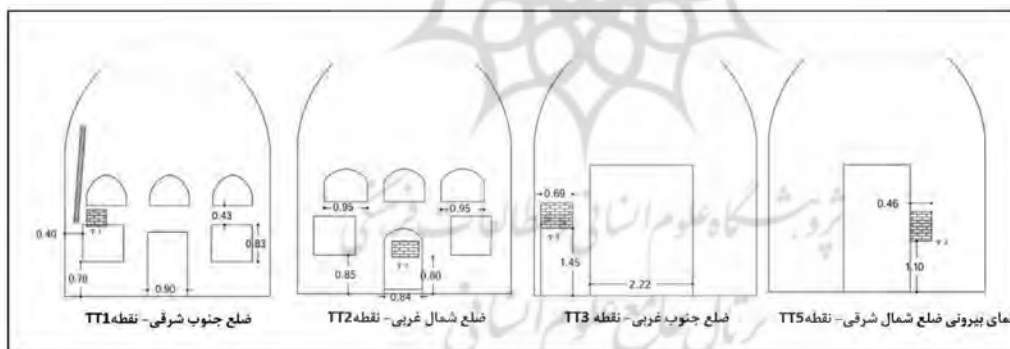


نقشه ۲. موقعیت نقاط لایه برداری شده (نگارندگان، ۱۳۹۸).

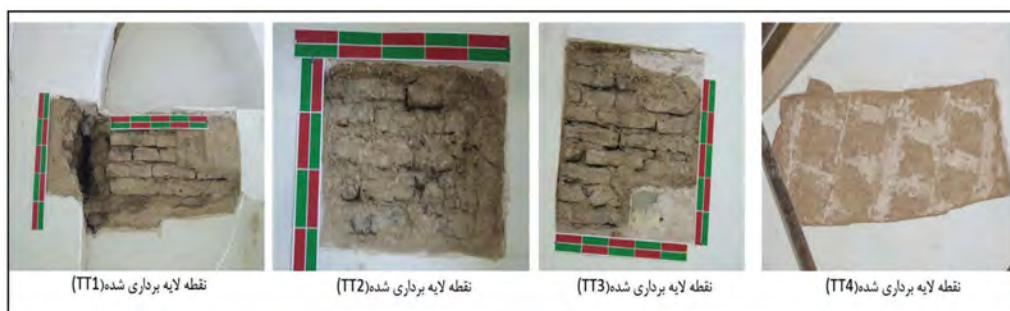


دوره	فاز	جنس مصالح	مصالح بنا
I	A	گل کوبیده شده (چینه) از کف بنا تا ارتفاع 150 سانتیمتری	
	B	خشت به ابعاد 32 سانتیمتر و ضخامت 8 سانتیمتر - ادامه فاز A تا زیرگنبد	
II	-	خشت به ابعاد 25*25*5	
III	-	فضاهای معاصر با مصالحی از جنس آجر و سیمان	

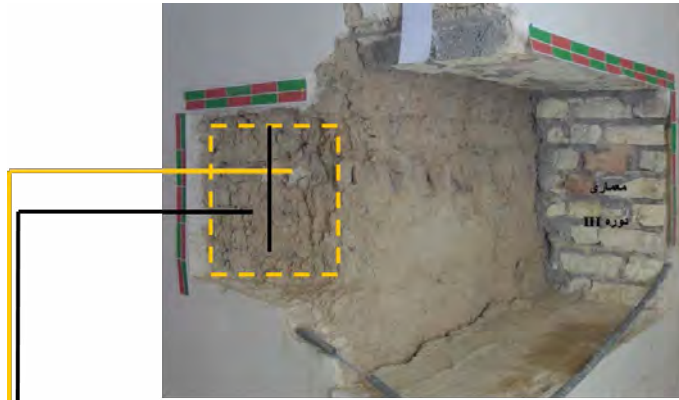
تصویر ۶. طرح بازسازی شده بنا و مشخصه شیوه و مصالح سه دوره معماری (نگارندگان، ۱۳۹۸).



برش ۱. موقعیت نقاط لایه برداری شده بر روی دیواره‌های بنا (نگارندگان، ۱۳۹۸).



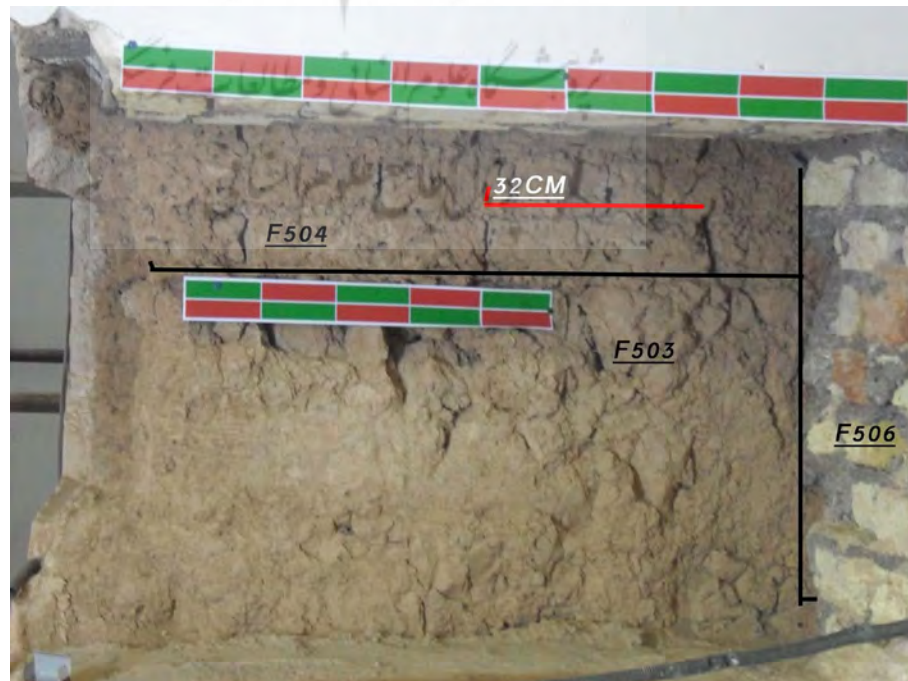
تصویر ۷. مشخص شدن معماری دوره دوم در نقاط لایه برداری شده TT3، TT2، TT1 و TT4 (نگارندگان، ۱۳۹۸).



نقطه لایه برداری شده TT5 بر روی بدنه بیرونی و ورودی ضلع جنوب غربی- نمایان شدن لایه معماری دوره اول (I) و دوم (II)



تصویر ۸. نمایان شدن لایه معماری دوره اول و دوم در نقطه لایه برداری شده TT5 (نگارندگان، ۱۳۹۸).



تصویر ۹. نقطه لایه برداری شده TT5 (نگارندگان، ۱۳۹۸).



تصویر ۱۰. وجود لایه معماری دوره اول در ضلع شمال شرقی بنا (ضلع مقارن با موقعیت نقطه TT5) (نگارندگان، ۱۳۹۸).

شده است. استفاده از مصالح دوره دوم معماری (خشت به ابعاد $23 \times 23 \times 5$ سانتی‌متر و ملات مستحکم گچ به جای گل) در ساخت گنبد بنا، بیانگر آن است که گنبد اولیه بنا به دلیل فرسودگی مصالح تخریب شده و در دوره دوم تجدید و احیا شده است. اگر به دقت و در یک بررسی کلی به عناصر موجود معماری بنا توجه کنیم، درمی‌یابیم که از ویژگی‌های مهم دوره دوم معماری، ظهور تزئینات و عناصر معماری متفاوتی از جمله ایجاد عنصر شنگه بر روی گنبد، کاشی‌کاری در بدنه داخلی بنا و سطح بیرونی شنگه به رنگ‌های فیروزه‌ای و لاجوردی، و ایجاد ایوانی با قوس پنج‌وهفت تیز است که هم در مصالح و هم در فن با معماری دوره اول متفاوت است (تصاویر ۵ و ۱۱). با مقایسه و بررسی در بناهای دوره سلجوقی به این نتیجه می‌رسیم که ایجاد عنصر شنگه در معماری گنبد از ویژگی‌ها و شیوه معماری رازی است که از دوره سلجوقی به وفور می‌توان این عنصر را در گنبد بناها مشاهده کرد. نمونه‌های بارز استفاده از عنصر تزئینی-کاربردی شنگه گنبد، در گنبد بنای آرامگاه امیراسماعیل سامانی و مسجد جامع قزوین است.

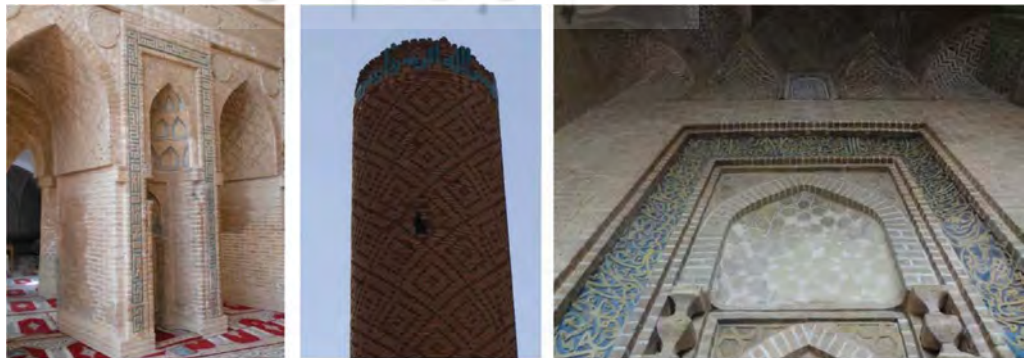
باتوجه به قرارگیری دو مسجد مهم دوره سلجوقی در شهرستان برخوار از جمله مسجد جامع گز و مسجد و منار سین در فاصله ۳ و ۴ کیلومتری بنای چهارطاقی لودریچه، همگونی نزدیکی به خصوص در نوع و ابعاد مصالح، تزئینات کاشی‌کاری از نوع کاشی فیروزه‌ای و لاجوردی رنگ و فنون گنبدسازی چپیده‌ای بین این دو بنای دوره سلجوقی و معماری مرحله دوم چهارطاقی لودریچه وجود دارد. از سویی دیگر، زمان استفاده از تزئینات کاشی‌کاری در معماری دوران اسلامی به اواخر دوره سلجوقی بازمی‌گردد؛ در این دوره تولید کاشی، توسعه‌ای چشمگیر یافت و مرکز اصلی تولید آن شهر کاشان و جرجان بود که در تولید کاشی‌های فیروزه‌ای پیشگام بوده است (محمدی، ۱۳۷۳: ۱۴۴). همان‌طور که اشاره شد، در میانه و اواخر دوره سلجوقی، تزئینات کاشی‌کاری در بنا به‌ویژه بناهای مذهبی در کنار تزئینات آجرکاری رایج می‌شود که از مهم‌ترین و یکی از اولین تزئینات کاشی‌کاری این دوره مربوط به منار و محراب مسجد سین است (قوچانی و همکاران، ۱۳۶۲: ۲۳-۲۴).

۸) که شامل تزئینات کاشی‌کاری به صورت کتیبه‌ای در منار، به رنگ فیروزه‌ای و کاشی‌کاری زیر کتیبه‌ای به رنگ لاجوردی در محراب می‌شود. در محراب مسجد جامع سلجوقی شهر گز نیز از تزئینات کاشی‌کاری به رنگ فیروزه‌ای نیز استفاده شده که از نمونه‌های اولیه تزئینات کاشی‌کاری در دوره سلجوقی محسوب می‌شود (امیرحاجلو و نیستانی، ۱۳۹۲: ۱۰-۹) (تصویر ۱۲). باتوجه به اضافه شدن عنصر معماری سنگه گنبد به بنای لودریچه و هم‌چنین وجود تزئینات کاشی‌کاری به رنگ فیروزه‌ای و لاجوردی بر روی سنگه گنبد بنا در دوره دوم، به طور نسبی می‌توان مرحله دوم معماری بنا را متعلق به دوره سلجوقی دانست.

در راستای تجدید و احیا بنا در دوره دوم، علاوه بر گنبد بنا، پایه‌های (دیواره‌ها) این بنا نیز احیا و به نوعی مرمت شده است؛ به صورتی که روی لایه معماری اولیه بنا یعنی معماری دوره اول یک لایه معماری جدید با مصالحی از جنس خشت به ابعاد $۲۳ \times ۲۳ \times ۵$ سانتی‌متر ایجاد شده و به نوعی نگه‌دارنده و تقویت‌کننده پایه‌های معماری اولیه این بنا بوده است. در دو ضلع جنوب شرقی و شمال شرقی بنا دو ردیف طاقچه تعبیه شده که ردیف بالا دارای ۳ عدد و ردیف پایین دارای ۲ عدد طاقچه در هر ضلع است (تصویر ۴). نقطه عطف این بنا، نقشه چهارطاقی آن بدون هرگونه نشانه از وجود محراب و یا مقبره در داخل آن است و تنها طی یک عقیده، اهالی منطقه، این بنا را موسوم به دوازده امام می‌دانند که کاربری امروزی آن نیز حسینیه است. محل قرارگیری و محدوده



تصویر ۱۱. سمت راست: تزئینات کاشی‌کاری بنا، تصویر بدنه داخلی پایه شمالی (محل روشن کردن شمع)؛ تصویر سمت چپ: سنگه گنبد (نگارندگان، ۱۳۹۸).



تصویر ۱۲. تزئینات کاشی‌کاری اولیه بناهای دوره سلجوقی منطقه؛ تصویر سمت راست: محراب مسجد سین، کاشی به رنگ لاجوردی؛ تصویر میانی: منار سین، کاشی‌کاری کتیبه‌ای به رنگ فیروزه‌ای؛ تصویر سمت چپ: محراب مسجد گز، تزئین محراب با کاشی فیروزه‌ای (نگارندگان، ۱۳۹۸).

کاشی‌های لاجوردی در بدنه داخلی بنا، امروزه نیز برای روشن کردن شمع‌های نذری استفاده می‌شود که به نوعی بیان‌گر تداوم سنت تقدس آتش در این بنا است.

بحث و تحلیل

تحول عظیم معماری ساسانی قرارداد گنبد بر روی تالار چهارگوش جهت مسقف نمودن بناها است. چنین فضای معمارانه برای اولین بار در کاخ فیروزآباد مورد استفاده قرار گرفته است. خانه‌ها و اکثر بناها از مصالح بومی هم‌چون سنگ لاشه و یا ملات گل و به ندرت با ملات آهک و یا از خشت ساخته می‌شدند. ارتفاع شالوده‌ها (پی) متغیر بود و گاهی با سنگ لاشه و گاه با خاک‌رس کوبیده (چینه) و یا مخلوط سنگ و گچ ساخته می‌شد (خسروزاده، ۱۳۷۷: ۳۷-۳۹). سبک معماری و مصالح به کار برده شده دوره اول بنای چهارطاقی لودریچه نیز از همین الگو تبعیت می‌کند؛ به صورتی که بنا از مصالح بومی مطابق با اقلیم منطقه ساخته شده که شامل شالوده‌ای از جنس خاک‌رس کوبیده شده یا چینه و خشت به ابعاد ۳۲ و ضخامت ۸ سانتی متر است. اشارات مکرر متون پهلوی به آتش مقدس، نشان‌دهنده جایگاه مهم عبادتگاه‌های زردشتی در معماری و مراکز شهری ساسانی است. یکی از خصوصیات ساختاری دولت ساسانی به وجود آوردن یک مذهب رسمی و تمرکز حاکمیت سیاسی-مذهبی بود. به رسمیت شناختن دین زردشتی سبب شد شاهان ساسانی و موبدان در مراکز و نقاط مختلف ایران، آتشکده‌هایی بسازند. هرچاکه ارتش ساسانی قدم می‌گذاشت، آتشکده‌ای در آن برپا می‌شد. در زمان سلطنت اردشیر اول (۲۴۱-۲۲۶ م.) کرمان، خوزستان و اصفهان، ضمیمه متصرفات او گشت که به دلیل اعتقادات ریشه دار و این که پدر او جزو موبدان بزرگ بود، دستور به ساخت اماکنی از جمله بناهای مذهبی (آتشکده) داد تا به این وسیله آیین زردشتی را در مناطق تحت فرمانروایی خود ترویج دهد؛ از طرفی در نظریات عمومی اشاره می‌شود که مهم‌ترین ساختمان‌های مقدس دوره ساسانی، چهارطاق‌ها بوده‌اند. چهارطاق‌ها سازه‌های ساده‌ای بودند که آتش مقدس در سرتاسر طاق‌های چهارپهلوی و در هنگام مراسم مذهبی در دسترس نیایشگران قرار می‌گرفت (گدار، ۱۳۷۷). از جمله آتشکده‌های مهم این دوره می‌توان به آتشکده کوه خواجه در سیستان، آذرگشنسب در تخت سلیمان، آذر فرنبخ، آذر برزین مهر و آتشکده‌های اصفهان از جمله: آتشگاه ماریین، آتشگاه اردستان، آتشکده سمیرم که در متون تاریخی نیز از آن‌ها نام برده شده، اشاره کرد. معماری آتشکده‌ها چهارطاقی‌های گنبددار بوده است که جزو نوآوری‌های معمارانه دوره ساسانیان است و کاربری مذهبی داشته‌اند (خسروزاده، ۱۳۷۷: ۴۲).

بنای لودریچه در حال حاضر یک چهارطاق منفرد است که در دوره‌ای پس از تغییرات سال ۱۳۵۸ ه.ش. دارای راهروهای رواق مانندی در اطراف بوده است. چهارطاقی لودریچه مانند اکثر چهارطاقی‌های دوره ساسانی با مصالح و شیوه بومی ساخته شده است. طبق داده‌های گمانه TT5 مشخص شد بنا در دوره‌ای متأخر (دوره سلجوقی) پس از ساخت اولیه، با مصالحی همگون، اما با شیوه و اندازه‌ای متفاوت تجدید شده که دلیل آن، تخریب گنبد اولیه بنا بوده است. شواهد این گمانه نشان‌دهنده مراحل متعدد معماری بنا است که هرکدام از آن مربوط به یک دوره فرهنگی است که شامل موارد ذیل است.

الف) معماری دوره اول (I) بنا با شیوه و مصالح بومی ساخته شده است. این لایه معماری متشکل است از شالوده‌ای از جنس گل کوبیده شده (چینه - مرحله IA) به ارتفاع ۱۵۰ سانتی متر از کف فعلی بنا و هم‌چنین ادامه دیواره‌ها با خشت‌هایی به پهنای ۳۲ سانتی متر و ضخامت ۸ سانتی متر (مرحله IB) است که تا زیر گنبد و لبه دیواره‌های برابر ادامه داشته و قابل پیگیری است. این لایه معماری و مصالح آن در چهار ضلع بنا امتداد دارد که توسط لایه‌های معماری دوره دوم (II) و دوره سوم (III) محصور شده است (تصویر ۱۰).

ب) معماری دوره دوم (II) بنا که مرحله تجدید و مرمت محسوب می‌شود. مصالح این مرحله معماری در کلیه نقاط لایه برداری شده بدنه داخلی بنا، قابل مشاهده است که شامل مصالحی از جنس خشت به ابعاد $5 \times 23 \times 23$ سانتی‌متر با ملات گل است و تنها در گنبد بنا جهت استحکام از ملات گچ استفاده نموده‌اند.

ج) معماری دوره سوم (III) با مصالحی از جنس آجر و سیمان مربوط به دوره معاصر است. لایه معماری این دوره، کلیه بدنه بیرونی بنا را محصور کرده که توسط اهالی در سال ۱۳۵۸ ه.ش. جهت تحکیم و حفظ بنای خشتی چهارطاقی ایجاد شده است.

از ویژگی‌های منحصربه‌فرد و نقطه عطف این بنا ساخت گنبد تجدیدشده به شیوه چپله‌ای- تیغه‌ای است که همین امر موجب گشته شکل و فرم گنبد از روش ساخت آن تبعیت کند و بدون قاعده و شکل مشخصی بر روی فضای چهارطاقی ایجاد شود. در اکثر بناهای دوره سلجوقی منطقه به خصوص بنای مسجد سین و مسجد جامع گزاز این شیوه گنبدسازی استفاده شده است که به نوعی مهر تأیید دیگری است که دوره II معماری و زمان مرمت و تجدید گنبد بنای چهارطاقی لودریچه را مربوط به دوره سلجوقی بدانیم. این شیوه گنبدسازی در بیشتر بناهای سلجوقی شهرستان برخوار استفاده شده؛ به طوری که درصد استفاده از این شیوه گنبدسازی در شهرستان برخوار بیشتر از بناهای سلجوقی شهر اصفهان است و شاید بتوان این شیوه گنبدسازی را به نوعی شیوه بومی و رایج در منطقه دانست.

باتوجه به این‌که بنای لودریچه چهارطاقی منفرد، دارای راهرو و رواق‌هایی در اطراف بنا قبل از سال ۱۳۵۸ ه.ش. بوده و هیچ‌گونه شواهدی از وجود محراب یا مقبره در این بنا دیده نشده و جهت بنا خلاف جهت قبله است؛ در مورد کاربری و قدمت اولیه بنا ابهامات و فرضیه‌هایی وجود دارد. شیوه معماری، مطالعه مصالح و مقایسه آن با دیگر آتشکده‌های ساسانی همجوار، اعم از آتشگاه ماریین و همچنین تحلیل نقشه بنا، بیانگر بنایی مذهبی و به احتمال آتشکده‌ای از دوره ساسانی یا قرون اولیه اسلامی است. این در حالی است که بدون کاوش در کف بنا و تپه مجاور آن و به دست آمدن مدارک کافی، صحبت در رابطه با این فرضیه را مشکل می‌کند. با وجود این‌که مطالعه و پیجویی زمان ساخت و کاربری بنا در متون تاریخی، سندی معتبر در راستای تحلیل کاربری و گاه‌نگاری بنا خواهد بود. از جمله مهم‌ترین متونی که شاید به این بنا و کاربری آن اشاره کرده باشد، کتاب سنی الملوک و الارض و الانبیا تألیف «حمزه اصفهانی» مورخ قرن سوم و چهارم هجری قمری است. حمزه اصفهانی می‌نویسد: «کی اردشیر در اصفهان به یک روز سه آتشکده ساخت، یکی را هنگام برآمدن آفتاب و دیگری را هنگام ظهر که خورشید در میانه آسمان باشد و سومی را هنگام غروب. نخستین به نام «شهر اردشیر» در جانب قلعه ماریین (آتشگاه امروزی)، دوم به نام آتشکده زرزان اردشیر در قریه دارک از روستای خوار (برخوار) و سوم آتشکده مهر اردشیر در قریه اردستان» (اصفهانی، ۱۳۶۷: ۳۸)؛ هرچند حمزه اصفهانی به قریه دارک درخوار (برخوار) اشاره می‌کند و دارک امروزی چیزی حدود ۶ کیلومتری بنای چهارطاقی لودریچه است، ولی می‌توان براساس جغرافیای تاریخی برخوار حتی دارک امروزی را نیز که در تقسیمات جدید از شهرستان برخوار جدا شده، از قریه‌های قدیم برخوار دانست. براساس اسناد تاریخی، برخوار از پاکوه (کوهپایه) تا منطقه جی وسعت داشته که دارک را نیز شامل می‌شده است. بنا به تغییرات زیست محیطی و آب‌وهوایی، هم‌چنین از کار افتادن قنوات، خشک شدن مطلق رودخانه‌های فصلی (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل برخوار) و نیاز به منابع اولیه، به‌ویژه منابع آب، موجب شده کم‌کم و طی دوره‌ای ۱۸۰۰ ساله از اواخر دوره‌ی ساسانی تاکنون جابه‌جایی‌های مختلفی در مسکن مردمان این منطقه صورت پذیرد. این امر به نوعی الگوی اولیه جغرافیای تاریخی و استقرار این منطقه را دگرگون می‌سازد. از نمونه و آخرین جابه‌جایی‌های استقرار در این منطقه می‌توان به تغییر الگوی استقرار مردمان برخوار در

اوایل دوره صفویه به دلیل عوامل طبیعی از جمله سیل اشاره کرد. در آخرین دوره تغییرات الگوی استقرار، مردمان محله‌ها و آبادی‌هایی چون دره، بتکده‌آباد، صالح‌آباد، سهل‌آباد و دیگر نواحی این منطقه که آثار سطحی و حتی سازه‌های تخریب شده آن‌ها هم چنان موجود است؛ به دلیل وجود سیل، به ناحیه کنونی شهر دولت‌آباد مهاجرت و دوباره اقدام به ساخت محله‌ها و خانه‌ها نمودند. از طرفی نیز از شهر دولت‌آباد برای اولین بار در زمان شاه‌عباس دوم صفوی و بعد از استقرار مردمان منطقه در این ناحیه در سفرنامه پیترو دل‌واله نام‌برده شده است (هنرفر، ۱۳۴۴: ۴) که مهر تأییدی بر شکل‌گیری شهر فعلی دولت‌آباد پس از سیل (در دوره شاه‌عباس اول) و تکمیل شهر و سکنی‌گزینی مردم در دوره شاه‌عباس دوم است.

باتوجه به پیشینه ساخت چهارطاقی‌هایی در دوره ساسانی و قرون اولیه اسلامی در منطقه برخوردار و گفته‌های مورخین به خصوص حمزه اصفهانی، هم‌چنین ویژگی‌های چهارطاقی لودریچه که بنایی است با نقشه چهارطاقی، دارای رواق‌هایی قبل از تغییرات سال ۱۳۵۸ ه.ش.، مصالح بومی و همگون با دیگر آتشکده‌های همجوار، بدون هرگونه شواهدی از عناصر بناها و چهارطاق‌های دوره اسلامی به ویژه محراب و مقبره، مساحتی محدود و نداشتن تزئین در سقف، ورودی و دیواره‌های بنا (از ویژگی‌های آتشکده‌ها)، نزدیکی به منبع آب (از عناصر مهم آتشکده‌ها) و تداوم سنت روشن‌کردن آتش مقدس به شکل شمع‌های نذری، کاربری اولیه بنا به عنوان آتشکده درخور اهمیت است؛ با این حال، اگر نتوان چهارطاقی لودریچه را همان آتشکده‌ای دانست که حمزه اصفهانی به آن اشاره می‌کند، باتوجه به پیشینه دوره ساسانی منطقه برخوردار که به وفور از آن به عنوان سرزمینی از دولت ساسانی یاد شده است (ابن حوقل، ۱۳۴۵؛ ابن‌رسته، ۱۳۶۵؛ حمزه اصفهانی، ۱۳۶۷؛ ابن‌خردادبه، ۱۳۷۰؛ ابونعیم، ۱۳۷۷؛ یعقوبی، ۱۳۸۱؛ احمدی، ۱۳۸۵؛ و امیرحاجلو، ۱۳۸۸؛ امیرحاجلو، ۱۳۹۱؛ امیرحاجلو و نیستانی، ۱۳۹۲). می‌توان پیشینه چهارطاقی‌سازی در منطقه را مربوط به دوره ساسانی دانست که تا قرون اولیه اسلامی تداوم داشته است؛ بنابراین می‌توان چهارطاقی لودریچه را باتوجه به ویژگی‌هایش جزو یکی از بناهای ساخته شده در این فاصله زمانی دانست که در زمان سلجوقی به دلیل تخریب گنبد آن، با مصالح و شیوه متفاوت و استفاده از تزئینات کاشی‌کاری تجدید و مرمت شده است.

البته این گفته با احتمال و احتیاط کامل بیان می‌شود، چراکه هیچ‌گونه پژوهش باستان‌شناختی و کاوش در کف بنا و تپه مجاور آن صورت نگرفته و هیچ‌گونه نشانه و یافته‌ای مربوط به کاربری دقیق و قدمت اولیه بنا در دست نیست؛ هرچند چهارطاقی‌های دیگری مانند «چهارطاقی شهر شاهپورآباد» در شهرستان موجود است که «ماکسیم سیرو» ساخت آن را به دوره آل مظفر نسبت می‌دهد (هنرفر، ۱۳۴۴)، اما باتوجه به قبر موجود در آن، «مقبره» محسوب می‌شود که شباهت زیادی نیز به آرامگاه‌های گنبددار اوایل اسلام دارد.

نتیجه‌گیری

شواهد موجود اعم از:

- ۱- شباهت نقشه و مصالح بومی بنای چارطاقی لودریچه با الگوی آتشکده‌ها و چهارطاقی‌های ساسانی سراسر ایران و آتشگاه ماریین و اردستان اصفهان.
- ۲- جهت قرارگیری بنای چهارطاقی لودریچه در جهت خلاف قبله.
- ۳- عدم وجود نشانه‌هایی از محراب (عنصر اصلی بناهای مذهبی دوران اسلامی).
- ۴- عدم وجود نشانه‌هایی از مقبره و تفاوت با مقبره‌های چهارگوش گنبددار دوران اسلامی.
- ۵- محدودیت فضای چهارطاق به عنوان محل نگهداری آتش.
- ۶- وجود رواق‌ها و راهروهایی در اطراف بنا قبل از تغییرات سال ۱۳۵۸ ه.ش. و کاربری مذهبی فعلی آن.

۷- تداوم سنت روشن کردن آتش مقدس در بنا به صورت روشن کردن شمع‌های نذری در گوشه و کنار بنا.

۸- نزدیکی بنا به منبع آب (وجود رشته‌قناتی در فاصله ۶۰ متری غرب بنا) عنصر پاکی و تقدس که از ویژگی‌های مهم بناهای مذهبی قبل از اسلام به ویژه مهرکده‌ها و آتشکده‌ها محسوب می‌شود که مهم‌ترین نمونه آن آتشکده تخت سلیمان است. این سنت حتی در دوران اسلامی و دین مبین اسلام نیز به صورت سنگ‌آب‌ها در مساجد اسلامی ادامه پیدا می‌کند.

۹- وجود منبعی تاریخی راجع به فرمان ساخت بنا، تاریخ ساخت و پیشینه کلی بنا به عنوان آتشکده زروان اردشیر توسط حمزه اصفهانی مورخ قرن سوم و چهارم ه.ق. در کتاب سنی الملوک الارض و الانبیا.

همگی حاکی از آن است که چهارطاقی لودریچه بنایی است از دوره ساسانی یا قرون اولیه اسلامی با کاربری مذهبی که بعدها در زمان ورود و ترویج دین اسلام در این منطقه، به دلیل اهمیت و جایگاه مذهبی آن که به احتمال زیاد همان آتشکده زروان اردشیر بوده که حمزه اصفهانی به آن اشاره می‌کند؛ هم‌چنین روشن بینی مسلمانان نسبت به ادیان دیگر، همانند بسیاری از بناهای دیگر حفظ و به عنوان بنایی عبادی-مذهبی برای اهالی تازه مسلمان شده این منطقه در نظر گرفته شده و به حسینیة تغییر کاربری داده است؛ چراکه این بنا یک بار در دوره سلجوقی مرمت و گنبد آن تجدید شده است. البته برای تعیین دقیق کاربری این بنا به عنوان آتشکده، نیاز است تا پژوهش‌های جدی و کاوش‌های علمی باستان‌شناسی در این بنا و تپه مجاور آن صورت پذیرد تا با استناد به یافته‌های مربوط به آتشکده، این فرضیه اثبات گردد. در کل با استفاده از شیوه مطالعات تطبیقی، تحلیل نقشه معماری، بررسی مصالح، تزئینات، عناصر معماری و مقایسه فنون معماری بنا با دیگر بناهای چهارطاقی از جمله چهارطاق‌ها و آتشکده‌های ساسانی و مقابر گنبددار قرون اولیه اسلامی، با رویکردی نسبی، این نتیجه حاصل می‌شود که بنای مذکور آتشکده یا چهارطاقی متعلق به دوره ساسانی یا قرون اولیه اسلامی است که با مصالح و فنون بومی ساخته شده و بعدها



تصویر ۱۳. مراحل حفاظتی نقطه لایه برداری شده TT5 نشانگر دو دوره معماری بنا (نگارندگان، ۱۳۹۸).

به دلیل اهمیت مذهبی آن، هم‌چنان مورد استفاده مذهبی قرار گرفته؛ به صورتی که بنا یک بار در دوره سلجوقی مرمت و گنبد آن تجدید شده و امروزه نیز اهالی منطقه از آن به عنوان حسینیه یاد کرده و جهت انجام مراسمات مذهبی، از آن استفاده می‌نمایند.

سپاسگزاری

انجام این پژوهش در هیچ‌یک از مراحل نظری و عملی بدون کمک آقای صادقیان، متولی بنای حسینیه دوازده امام لودریچه که پدرایشان در زمان حیات خود نیز متولی بنای مذکور بوده‌اند، میسر نبود؛ بر خود لازم می‌دانیم از زحمات ایشان جهت انجام اقدامات گوناگون حفاظتی بالأخص تقویت گنبد و پایه‌های بنا به کمک فرزند محترمشان، جلوگیری از تخریب بنا، در اختیار دادن تصاویر شخصی از عکس‌های بنا، مستندسازی وضعیت بنا قبل از تغییرات سال ۱۳۵۸ ه.ش. حتی ایجاد لایه‌های معماری معاصر جهت تحکیم و نگه‌داری بنا و نقش عمده‌ای که در حفظ و شناسایی این اثر ارزشمند مادی و معنوی ایفا کرده‌اند، کمال قدردانی را داشته باشیم؛ هرچند زحمات ایشان ارزشمندتر و والاتراز یک تشکر ساده خواهد بود. از آقای دکتر جبرئیل نوکنده نیز به دلیل راهنمایی‌های ارزنده در زمان انجام پروژه، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

کتابنامه

- ابن حوقل، محمد، (۱۳۴۵). صورة الارض. ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله، (۱۳۷۰). بی‌نا. ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران.
- ابن‌رسته، احمد بن عمر، (۱۳۶۵). الاعلاق النقیسه. ترجمه و تعلیق: حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر.
- ابونعیم اصفهانی، حافظ، (۱۳۷۷). ذکر اخبار اصفهان. ترجمه نورالله کسای، قم: مرکز تحقیقات علوم اسلامی، جغرافیای جهان اسلام.
- احمدی، عباسعلی، (۱۳۸۵). «بررسی کاروانسراهای شمال اصفهان». مجله اثر، شماره ۴۰ و ۴۱، صص: ۹۵-۷۲.
- احمدی، عباسعلی، (۱۳۸۸). «فضا و جامعه در شهرک‌های اقماری اصفهان در عصر صفوی: مطالعه موردی مورچه‌خورت و قورتان». رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- احمدی، هادی، (۱۳۹۱). «مستندسازی محوطه تاریخی گز (مقبره شاه نعمت‌الله ولی شهرستان شاهین‌شهر ومیمه)». اصفهان: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان (منتشر نشده).
- اصفهانی، حمزه بن حسن، (۱۳۶۷). سنی الملوک الارض و الانبیا. ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- امیرحاجلو، سعید، (۱۳۹۱). «بررسی باستان‌شناسی مراکز سکونت دوران سلجوقی تا دوره صفوی در حاشیه شمالی دشت اصفهان». رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- امیرحاجلو، سعید؛ و نیستانی، جواد، (۱۳۹۲). «پراکندگی، کارکرد و الگوی حاکم بر سازه و تزئین آثار سلجوقیان در ولایت برخوار». پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ، دوره ۱۷، شماره ۱۷، صص: ۱-۳۵.
- خسروزاده، علیرضا، (۱۳۷۷). «شهرسازی دوره ساسانی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۲). لغت‌نامه. جلد سوم، تهران: نشر دانشگاه تهران.

- قوچانی، عبدالله؛ کیانی، محمدیوسف؛ و کریمی، فاطمه، (۱۳۶۲). مقدمه‌ای بر هنر کاشیکاری ایران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گذار، آندره، (۱۳۷۷). هنر ایران. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- محمدی، مریم، (۱۳۷۳). «روند شکل‌گیری مساجد (از آغاز تا پایان قرن چهارم)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- مهریار، محمد، (۱۳۸۲). فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان. جلد اول، تهران: مردم و فرهنگ.
- هنرفر، لطف‌الله، (۱۳۴۴). گنجینه آثار تاریخی اصفهان. اصفهان: ثقفی، چاپ دوم.
- یعقوبی، احمدبن ابی‌یعقوب، (۱۳۸۱). البلدان. ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

